

شادسازی و دل‌پذیری مدرسه

دکتر فریبرز بیات

● چهره‌ خسته و درهم، نگران دغدغه‌های معیشتی و مضطرب معلمان، در کنار ظاهر آشفته و نامرتب آن‌ها،
● فرصت کمی که مدرسه برای گفت‌وگو، بحث و تبادل نظر، و نقد و پرسشگری، فارغ از هرگونه ترس، تنبیه و تهدید فراهم می‌کند،

● میدان محدودی که مدرسه برای تنوع و تکثر افکار، اندیشه‌ها، علاقه‌ها و نیازهای معلمان و دانش‌آموزان قائل است،
● تقلیل مناسبات مدرسه با والدین و خانواده‌ها به روابط مادی، مالی و کالایی،

همه و همه تصویری از فضای نامناسب روابط اجتماعی محیط مدرسه است که به‌طور جدی و اساسی باید مورد تجدید نظر، بازاندیشی و بازسازی قرار گیرد.

اما این فقط فضای مناسبات اجتماعی اجزا و عناصر مدرسه نیست که تصویری غیردل‌پذیر و ناشاد از آن را به نمایش می‌گذارد. فضای فیزیکی، معماری و مبلمان اغلب مدرسه‌ها نیز ناشاد و خسته‌کننده است. تقریباً در کمتر مدرسه‌ای فضای سبز و طبیعی، درخت، و گل و گیاه برای ایجاد طراوت و تلطیف روحیه دانش‌آموزان و معلمان وجود دارد. در روزهای گرم سال و ایام امتحانات، اغلب دانش‌آموزان در به‌در دنبال فضای سایه‌ای برای آرامان ماندن از تیغ تیز آفتاب در گوشه‌ای از دیوار مدرسه کز می‌کنند.

حیاط برخی از مدرسه‌ها فاقد صندلی برای نشستن و استراحت دانش‌آموزان است. معماری برخی از مدرسه‌ها به نحوی است که درهای ورودی و خروجی، با وجود تراکم دانش‌آموزان، محدود یا بسته است و تراکم و فشار دانش‌آموزان هنگام ورود و خروج یا زنگ تفریح، گاه به حوادثی منجر می‌شود. پله‌های ساختمان بسیاری از مدرسه‌ها برای ورود و خروج دانش‌آموزان مناسب‌سازی نشده‌اند و گاه سبب زمین‌خوردن و حوادثی برای دانش‌آموزان می‌شوند. سرویس‌های بهداشتی برخی از مدرسه‌ها محدود و نامتناسب با تعداد دانش‌آموزان، بعضاً فاقد آب گرم و مایع صابون یا برخی خراب و غیرقابل استفاده است.

آبخوری‌های اغلب مدرسه‌ها نیز محدود، نامناسب و غیربهداشتی است. بسیاری از مدرسه‌ها فاقد بوفه هستند یا اگر هم دارند، نامناسب است و اقلام و کالاهای آن کیفیت و تنوع

فضای مدرسه یکی از عناصر در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های ناظر بر تحول در آموزش و پرورش است. در این سیاست‌ها و برنامه‌ها به‌طور معمول و مرسوم انتظار تحول‌آفرینی همواره معطوف به محتوا و «متن کتب درسی» و یا ساختار سازمانی آموزش و پرورش بوده است. به همین دلیل نیز هر از چندی کتاب‌های درسی یا ساختار سازمانی آموزش و پرورش دستخوش تغییرات متفاوت شده‌اند، اما کمتر به فضای اجتماعی و «متن مدرسه» توجه شده است. در حالی که به نظر می‌رسد، اهمیت متن مدرسه برای چنان تحولی بسیار بیشتر از صورت فنی و خشک محتوای کتاب‌های درسی یا ساختار بوروکراتیک سازمانی مدرسه و آموزش و پرورش باشد. چرا که دانش‌آموزان آنچه از متن مدرسه و فضای اجتماعی آن یاد می‌گیرند، بسیار بیشتر از متن خشک و رسمی کتاب درسی است.

این قبیل آگاهی‌ها و دانسته‌ها، برعکس محتوای کتاب‌های درسی که معمولاً بعد از امتحان به فراموشی سپرده می‌شوند، با ذهن و زبان، روح و رفتار، و زندگی دانش‌آموزان گره می‌خورند، انباشته و به حافظه سپرده می‌شوند و به سرمشقی هویتی برای کار و زندگی آینده دانش‌آموزان تبدیل می‌شوند.

اما همچنان که پیش از این یادآوری شد، متن مدرسه با چنین جایگاه و اهمیتی، کمتر در برنامه‌ها و سیاست‌های تحولی آموزش و پرورش مورد عنایت قرار گرفته است. فضای فعلی فضای برخی مدرسه‌های ما از نظر جامعه‌شناختی خسته‌کننده، فاقد معیارهای دل‌پذیری، خوشایندی، شوق‌انگیزی و به‌طور کلی «ناشاد» است. چنین تصویر ناشاد و غیردل‌پذیری را هم فضای مناسبات و روابط اجتماعی و هم فضای فیزیکی و مبلمان مدرسه به‌خوبی بازتاب می‌دهد.

مواردی مانند:

- تعاملات خشک، رسمی و کمتر صمیمانه بین عناصر انسانی اصلی برخی مدرسه با هم، یعنی مدیر و کارکنان اجرایی، معلمان و دانش‌آموزان و والدین،
- مناسبات بعضاً تبعیض‌آمیز مبتنی بر پیش‌داوری‌های فرهنگی و بی‌اعتمادی، و یا فشار، اجبار، قدرت و زور فیزیکی و بوروکراتیک در برخی مدرسه‌ها،



و غیر تعاملی و فاقد مشارکت، تبعیض آمیز، مبتنی بر پیش داوری و بی اعتمادی یا ترس، تنبیه و تهدید، و با چنان معلمان خسته، نگران و مضطربی که دغدغه‌های معیشتی به حق ذهنشان را آشفته و زندگی را بر آن‌ها تنگ کرده است، چگونه می‌توانند نقش و کارکردهای لازم را در زمینه پرورش و آموزش نسل آینده و رشد و شکوفایی استعدادهای کودکان و نوجوانان کشور ایفا کنند؟!

به همین دلیل، هر برنامه و سیاست تحولی در آموزش و پرورش، چنانچه بازاندیشی و بازسازی متن مدرسه و فضای اجتماعی و فیزیکی آن را در مرکز توجه خود قرار ندهد، پیشاپیش محکوم به شکست است. برنامه‌های تحولی در آموزش و پرورش باید دل‌پذیری، شادسازی و شوق‌انگیزی فضای مدرسه را، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول، در دستور کار خود قرار دهد. انجام چنین مهمی قبل از هر چیز نیازمند تغییر نگرش مسئولان و برنامه‌ریزان آموزشی و نیز مدیران و معلمان است؛ به‌نحوی که شادی، نشاط و لذت را معادل سبک‌سری و لالابالی‌گری تلقی نکنند یا بر اساس نوعی پیش‌داوری و تفسیری نامعتبر، مغایر با آموزه‌های دینی نپندارند.

لازم را ندارند. از نظر مبلمان داخلی کلاس‌ها، میز و صندلی‌های بسیاری از مدرسه‌ها کهنه و شکسته‌اند یا به نحوی نامناسب طراحی شده‌اند که موجب خستگی زودرس و عدم تمرکز دانش‌آموزان می‌شوند. نقاشی و رنگ‌آمیزی کلاس‌های بسیاری از مدرسه‌ها نامناسب و فاقد عنصر شادی و دل‌پذیری است و نیز حداقل کیفیت را دارد. امکانات ورزشی اغلب مدرسه‌ها هم محدود است و فضا و سالن‌های ورزش بسیاری از مدرسه‌ها برای حرکت‌های ورزشی مناسب نیستند. امکانات آزمایشگاهی و کارگاهی اغلب مدرسه‌ها نیز ناکافی یا فرسوده و محدودند.

بسیاری از مدرسه‌ها فاقد تجهیزات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مناسب برای آموزش مجازی هستند و برنامه‌های منظم و مناسب برای اردوها و بازدیدهای علمی ندارند. سرویس‌های رفت‌وآمد دانش‌آموزان نیز گذشته از آنکه از سامان، نظم و کیفیت مناسبی ندارند، غالباً ناایمن و نامطمئن هستند که رخ دادن حوادث و اتفاقات سال‌های اخیر گواهی بر این مشکل است.

مجموع چنین مسئله‌ها، کمبودها و مناسبات و روابط، فضای مدرسه‌ها را غیردل‌پذیر، خسته‌کننده و ناشاد کرده است. به همین دلیل نیز اغلب معلمان و دانش‌آموزان بی‌دلیل یا با دلیل، و موجه و ناموجه، از هر نوع تعطیلی مدرسه استقبال می‌کنند. مدرسه‌هایی با چنین مشکلات، کمبودها و نقص‌هایی در فضای فیزیکی، معماری و مبلمان، و با چنان مناسبت‌ها و روابط خشک